

ترازوت همچنان ترازوم زیاده تا و کز خیر را معلوم
و بان آیات بیخروج با و صلح و زنا نیز معلوم میگردد
بلکه پس از سده است از غیر آن آیات هر میان مردم را قایل
نشود که این است هر چه در حکم است و در حکم شریفتر
چنانکه در حدیثی است یافته ام لا یغیب عن الله شیئاً
چاهن و برین مطابق از اقسام این است استقامت
و جواسع و ال قدر وقت مند کویا که تخریص ال میگذرد
ان آیات چون منصفه بقیه مذکور بود منابر است مرتبه
تک کی نظار ان بیکر و بصدق ان تفران منور و و بان
مال آیات تراور و پس از آن جماعتی بر و چگونه باشد
جوان بیفر ما بدید لا یغیب عن الله شیئاً و منصفه بقیه
و خطاب است پس و معلق است با آنچه در حدیث است
از بر ارحمه نه بر و جعفر ذوال ان از غیر عین اما ال طلب
از بر ارحم فی قصه ذوال ان از غیر ان را ضبط خوانند
صفت مغرب است از افعال تا قله جو نیز است سلام
و نیکر

و نیکر جز او این جمله صفت مسودت و روح نیک
و صبر نیک با عبادت آیات تا با این مفعول است عال در و
نیکو است بدین معنی الی حدیث و قیاس هم آن معنی است
ای نیکو ای که تا با این معنی است حد کرده و معنی الی بی
او اقامت کرده و برین تقدیر است که از حد جدا بود
از خود و معلوم نکرد در این حکم است و نیکو است
استعاق و او حال است و صبر نیکو است یعنی است
صداقت زیرا که کردن در کار نیکو است یعنی است
در یافتن امر خیر است و در و رسد از هر چه بود
الک رکنان آیات تا از جهت بل بینه جو زانادان با
و حال انکه آن صبر و ان که است در حدیث نیکو است یعنی
انکه جو و نه از جهت است که او را شیخ و نیکو است
بلکه از جهت است که در حدیث نیکو است یعنی است
در حدیث نیکو است یعنی است که در حدیث نیکو است
نیکو است زیرا که آیات را از جهت تا با این معنی است

Copyright © King Saud University